



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی تاثیر یادگیری مشارکتی بر خودپنداره تحصیلی دانش آموزان در درس فارسی

ملیکا تقوایی^۱

۱- کارشناسی فارسی تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس زینب کبری (س) اراک

melikataghvaei7@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر یادگیری مشارکتی بر خودپنداره تحصیلی دانش آموزان در درس فارسی انجام شد. روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی و طرح آن به صورت پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. در پژوهش حاضر جامعه آماری عبارت است از کلیه دانش آموزان دختر اراک در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ می‌باشد. در پژوهش حاضر، از روش تصادفی خوشه‌ای برای نمونه‌گیری استفاده شد. در این روش، دو مدرسه ابتدایی در اراک به طور تصادفی انتخاب شدند و سپس دو کلاس از این دو مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند. یک کلاس به عنوان گروه آزمایش و دیگری به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد. در گروه آزمایش، مطالب درس فارسی با رویکرد یادگیری مشارکتی آموزش داده شد، در حالی که گروه کنترل مباحث فارسی را به شیوه سنتی دریافت کردند. قبل از شروع آموزش، به منظور رعایت اصول اخلاقی، از شرکت‌کنندگان در پژوهش، به صورت کتبی رضایت‌نامه‌ای دریافت شد. در این پژوهش، دو مدرسه ابتدایی در اراک به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر مدرسه یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد. یک کلاس به عنوان گروه آزمایش و دیگری به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد. در گروه آزمایش، مطالب درس فارسی با رویکرد یادگیری مشارکتی آموزش داده شد، در حالی که گروه کنترل مباحث فارسی را به شیوه سنتی دریافت کردند. پس از اتمام جلسات آزمایشی، از هر دو کلاس پس از آزمون، پرسشنامه خود پنداره تحصیلی گرفته شد و نتایج مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نتایج نشان داد رویکرد یادگیری مشارکتی حافظه دانش آموزان را بهبود می‌بخشد دانش آموزانی که در فرآیندهای یادگیری بصورت فعال شرکت می‌کنند، بیشتر به یادگیری علاقمند می‌شوند و توجه بیشتری به مدرسه نشان دهند. و کلاس برای آنها جایی است که دانش آموزان در آن باهم تعامل دارند و این موجب افزایش انگیزش، مشارکت و توجه آنها به یادگیری می‌شود. همچنین میزان رضایت دانش آموزان را از تجارب یادگیری افزایش می‌دهد.

کلمات کلیدی: یادگیری مشارکتی، خودپنداره، تحصیل، دانش آموز، ابتدایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

یکی از عوامل مهم و اثرگذار در عملکرد تحصیلی دانش آموزان عوامل روانشناختی آنان است و از جمله ویژگی‌های روانشناختی مهمی که عملکرد تحصیلی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، خودپنداره تحصیلی است. خودپنداره تحصیلی به ادراک یا تصور دانش آموز از شایستگی خود در رابطه با یادگیری آموزشی اشاره می‌کند که بر پیشرفت تحصیلی اثر می‌گذارد و همزمان به وسیله آن متأثر می‌شود (مارش و کراون^۱، ۲۰۰۵). خودپنداره تحصیلی بیانگر دانش و ادراکات فردی درباره نقاط قوت و ضعف خودمان در یک حوزه تحصیلی معین و عقاید فردی درباره توانایی‌هایمان در انجام موفقیت آمیز تکالیف تحصیلی است (تال^۲، ۲۰۰۷).

به طوری که هانگ^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که خودپنداره مثبت بالا با عملکرد تحصیلی بالا در دانش آموزان مرتبط است و خودپنداره پایین باعث کاهش عملکرد تحصیلی می‌شود. همچنین دانش آموزانی که در انجام کارها، خود را، اثربخش‌تر، مطمئن‌تر و توانمندتر می‌دانند، در مقایسه با سایرین از خودپنداره تحصیلی بالایی برخوردار خواهند بود و بالطبع چنین خودپنداره‌هایی منجر به رشد و پیشرفت تحصیلی آتی فرد و علاقه و انگیزش بیشتر در وی می‌شود (مارش و اومار^۴، ۲۰۰۸). در این میان روش‌های تدریس مشارکتی می‌توانند در ارتباط خود پنداره تحصیلی نقش بسزایی داشته باشند، روش تدریس مشارکتی توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است، همچنین پژوهش‌ها موثر بودن روش‌های تدریس کلاس مشارکتی را نشان دادند، و معتقد بودند که آموزش به روش کلاس مشارکتی بر درگیری تحصیلی و انگیزش به یادگیری در دانش آموزان تأثیر معناداری دارد (ظهیری، ۱۳۹۸). در ارتباط با روش تدریس مشارکتی هم گیلیس^۵ (۲۰۱۶) نشان داد هنگامی که معلم از روش مشارکتی استفاده می‌کند، دانش آموزان به نوبه خود راهکارهای توسعه تفکر و یادگیری را فرا می‌گیرند. با توجه به مطالب مطرح شده هدف پژوهش بررسی بین تأثیرگذاری روش تدریس مشارکتی بر خودپنداره تحصیلی دانش آموزان است. یادگیری مشارکتی با ایجاد شرایط مناسب برای آموختن استراتژی‌های یادگیری، به انتقال یادگیری از طریق گروه به فرد، واکنش متقابل میان فراگیران با سطوح توانایی علمی ناهمگن در کلاس کمک می‌کند. این الگو برای موفقیت تحصیلی دانش آموزان الگویی مناسب و شناخته شده است (فلاح، ۱۳۸۸). شیخی فینی، زارعی و سعادت زاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان دادند که روش تدریس مشارکتی با تأکید بر الگوی جرأت آموزی در بیان، به پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان منجر شده و تفاوت میان میانگین‌های نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر معنادار شده است. امروزه با پیشرفت فناوری و تغییر نیازهای آموزشی یادگیرندگان، روش‌های سنتی یاددهی - یادگیری به دلیل عدم تحقق اهداف آموزشی، به تدریج باید جای خود را به روش‌های نوین یاددهی - یادگیری مبتنی بر نیازهای فردی و اجتماعی دانش آموزان بدهند. این امر، در نظام‌های آموزش مجازی که پایه و اساس آن بر فناوری و رویکردها و مکاتب جدید یادگیری بنا شده، اهمیت و نمود بیشتری پیدا می‌کند (خطیب زنجانی، ۱۳۹۷). بنابراین، لزوم بازنگری در روش‌های آموزش و یادگیری و به کارگیری روش‌های فعال بیشتر از هر زمانی ضرورت دارد. بسیاری از متخصصان و مسئولان حوزه آموزش نیز بهره‌گیری از روش مناسب آموزشی را مهم‌تر از دانش آن درس می‌دانند. بسیاری از پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که استراتژی‌های یادگیری

¹ Marsh & Craven

² Tella

³ Huang

⁴ Marsh & O'Mara

⁵ Gillies



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فعال بیشتر از استراتژی‌های منفعل، متمرکز بر محتوا، سنتی و مبتنی بر سخنرانی، عملکرد دانش آموزان را افزایش می‌دهد (نایت و وود^۱، ۲۰۰۵؛ روئیز-پریمو^۲، ۲۰۱۱؛ فریمن^۳، ۲۰۱۴؛ در استایرز، ونزندت و هایدن^۴، ۲۰۱۸). با توجه به مطالب فوق و همچنین کمبود پیشنه‌های تجربی داخلی و خارجی مشخص گردید که تا کنون علی‌رغم علاقه محققین پیشین در حوزه روش تدریس مشارکتی، و خود پنداره مثبت پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی و طرح آن به صورت پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود.

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر جامعه آماری عبارت است از کلیه دانش آموزان دختر اراک در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ می‌باشد. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، روش تصادفی خوشه‌ای بود بدین صورت که از بین مدارس ابتدایی اراک دو مدرسه به طور تصادفی انتخاب شد. سپس از بین کلاس‌های این دو مدرسه منتخب، دو کلاس به طور تصادفی انتخاب شدند. یک کلاس به عنوان گروه آزمایش و یک کلاس به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شد. گروه آزمایش آموزش مطالب درس فارسی را به صورت رویکرد یادگیری مشارکتی دریافت نمودند در حالی که گروه کنترل مباحث فارسی را به شیوه سنتی دریافت کردند. لازم به ذکر است که به جهت رعایت اصول اخلاقی، پیش از شروع آموزش از شرکت‌کنندگان در پژوهش به صورت کتبی رضایت‌نامه دریافت شد.

ابزارها

پرسشنامه خودپنداره تحصیلی: پرسشنامه خودپنداره تحصیلی برای اولین بار، به وسیله یی سین چن در سال ۲۰۰۴ پس از اجرای آن بر روی ۱۶۱۲ دانش آموز تایوانی دوره دبستان ساخته شد. تمرکز این پرسشنامه بر سنجش خودپنداره دانش آموزان دوره ابتدایی و راهنمایی است. این ابزار دارای ۱۵ گویه است و تصویر ذهنی فرد از خودش را می‌سنجد و بر این اساس، خودپنداره را در سه سطح عمومی، آموزشگاهی و غیرآموزشگاهی مورد سنجش قرار می‌دهد. این ابزار هم نمره کلی و هم نمره خرده مقیاس‌ها را به صورت جداگانه محاسبه می‌کند. گویه‌ها در یک طیف پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (۵) موافق (۴)، نظری ندارم (۳)، مخالفم (۲) و کاملاً مخالفم (۱) پاسخ داده می‌شوند. حداقل نمره آزمودنی در این پرسشنامه ۱۵ و حداکثر نمره ۶۰ می‌باشد. مرعشیان و همکاران (۲۰۱۲) پایایی این ابزار را بر روی دانش آموزان با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آورده‌اند. در این مطالعه نیز پایایی محاسبه شد.

¹ Knight & Wood

² Ruiz-Primo

³ Freeman

⁴ Styers, Van Zandt & Hayden



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

روش اجرا

در ابتدا با هماهنگی اداره آموزش و پرورش اراک تعداد کلاس‌های ششم آن مشخص شد سپس از میان مدارس این ۲ مدرسه جهت انجام پژوهش به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر مدرسه یک کلاس ششم به صورت تصادفی انتخاب شدند. از بین کلاس‌های منتخبه یک کلاس به عنوان گروه کنترل، یک کلاس نیز به عنوان گروه یادگیری مشارکتی تعیین شد. با مجوزی که از طرف اداره آموزش و پرورش گرفته شده بود از دانش آموزان دو کلاس پیش آزمون پرسشنامه خود پنداره تحصیلی گرفته شد سپس گروه آزمایش (رویکرد یادگیری مشارکتی) به مدت ۸ جلسه هفته‌ای یک جلسه مطالب درس فارسی را یک گروه به شیوه یادگیری مشارکتی دریافت نمودند در حالی که گروه کنترل روش آموزش سنتی را دریافت نمود. پس از اتمام جلسات آزمایشی، از هر دو کلاس پس آزمون، پرسشنامه خود پنداره تحصیلی گرفته شد و نتایج مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

نتایج

برای بررسی اثربخشی استفاده از رویکرد یادگیری مشارکتی بر خود پنداره تحصیلی دانش آموزان دختر پایه ششم ابتدایی در درس فارسی، ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون، شامل میانگین و انحراف استاندارد به تفکیک گروه‌ها در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱: توصیف نمرات آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه‌های مورد مطالعه در متغیر خود پنداره تحصیلی

متغیر	گروه	مرحله	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
خودپنداره	مشارکتی	پیش آزمون	۱۰۰/۵۰	۱۵/۸۸	۷۳	۱۴۰
		پس آزمون	۱۰۷/۷۶	۱۴/۷۵	۸۳	۱۴۵
	کنترل	پیش آزمون	۱۰۲/۲۴	۱۵/۲۳	۷۹	۱۴۰
		پس آزمون	۱۰۲/۹۲	۱۵/۱۵	۸۰	۱۴۰

با توجه به جدول ۱ میانگین گروه (رویکرد یادگیری مشارکتی) در پس‌آزمون متغیر خودپنداره تحصیلی بیشتر از میانگین گروه کنترل می‌باشد. نرمال بودن توزیع داده‌ها یکی از مهمترین پیش فرض‌های تمامی آزمون‌های پارامتریک از قبیل تحلیل کوواریانس است. برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون از آزمون کالموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. لازم به ذکر است که معنی دار نبودن نتایج این آزمون نشانگر نرمال بودن توزیع متغیرهاست. در جدول ۲، نتایج آزمون کالموگروف - اسمیرنوف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها گزارش شده‌اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

جدول ۱: نتایج آزمون کالموگروف - اسمیرنف برای نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیر	وضعیت	گروه	آماره Z کالموگروف-اسمیرنف	سطح معنی داری
خودپنداره تحصیل	پیش آزمون	مشارکتی	۱/۰۷	۰/۱۹
		کنترل	۰/۷۵	۰/۶۱
	پس آزمون	مشارکتی	۰/۸۷	۰/۴۳
		کنترل	۰/۵۴	۰/۹۳

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهند که آماره Z آزمون کالموگروف - اسمیرنف گروه‌های آزمایش و کنترل در متغیر پژوهش معنی دار نمی‌باشد. لذا توزیع متغیرها در دو گروه نرمال است. جهت بررسی فرضیه پژوهش، مبنی بر اثربخشی رویکرد یادگیری مشارکتی بر خودپنداره تحصیلی دانش آموزان در درس فارسی، از تحلیل کوواریانس تک متغیره استفاده شد. قبل از ارائه نتایج تحلیل کوواریانس ابتدا مفروضه‌های این روش آماری مورد بررسی قرار گرفت. یکی از مفروضه‌های اصلی تحلیل کوواریانس بررسی همگنی واریانس خطاست. برای بررسی این پیش فرض از آزمون لون استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: نتایج همگنی واریانس متغیر خودپنداره تحصیلی در گروه‌های رویکرد یادگیری مشارکتی و کنترل

متغیر	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی داری
خودپنداره تحصیلی	۱/۳۵	۱	۴۹	۰/۵۲

بر اساس مندرجات جدول ۳، واریانس متغیر خودپنداره تحصیلی در گروه‌های رویکرد یادگیری مشارکتی و کنترل همگن است؛ زیرا مقدار شاخص F این متغیر معنی دار نیست ($p > ۰/۰۵$). بنابراین، پیش فرض همگنی واریانس‌ها برای متغیر خودپنداره تحصیلی محقق شده است.

دومین پیش فرض مورد بررسی جهت انجام تحلیل کوواریانس، پیش فرض همگنی اثرات تعاملی پیش آزمون و متغیر مستقل می‌باشد. برای بررسی این پیش فرض از برون داد اثرات تعاملی در تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج این اثر در جدول ۴، ارائه شده است:

جدول ۴: نتایج اثرات تعاملی پیش آزمون و متغیر مستقل

منابع تغییر	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	DF	F	سطح معنی داری
گروه * پیش آزمون خودپنداره تحصیلی	۱/۰۸	۰/۵۴	۲	۰/۲۵	۰/۸۹



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مندرجات جدول ۴ نشان می‌دهد که پیش‌فرض همگنی اثر تعاملی در گروه‌های مورد مطالعه (گروه رویکرد یادگیری مشارکتی و کنترل) در متغیر خودپنداره تحصیلی، محقق شده است، چرا که مقدار F تعاملی در سطح $P < 0.05$ معنی‌دار نیست. سومین پیش‌فرض مورد بررسی جهت انجام تحلیل کوواریانس، پیش‌فرض همگنی شیب‌های رگرسیون می‌باشد. برای بررسی این پیش‌فرض از برون داد نمودارهای شیب‌خط رگرسیون متغیرهای وابسته در گروه‌های مورد مطالعه، استفاده شد که نتایج در نمودار نشان داد که پیش‌فرض همگنی شیب خطوط رگرسیون متغیر خودپنداره تحصیلی در گروه‌های یادگیری مشارکتی و کنترل محقق شده است، زیرا جهت شیب‌ها افزایشی هستند.

جدول ۵: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره خودپنداره تحصیلی در دو گروه رویکرد یادگیری مشارکتی و کنترل

منابع تغییر	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	Sig	اتا
گروه	۵۳۴/۵۹	۱	۵۳۴/۵۹	۵۹/۴۵	۰/۰۰۱	۰/۵۵
خطا	۴۳۱/۵۸	۴۸	۸/۹۹			
کل	۵۷۷۷۳۷	۵۱				

مندرجات جدول ۵ نشان می‌دهد که بعد از کنترل اثر پیش‌آزمون، بین دو گروه یادگیری مشارکتی و کنترل در متغیر خودپنداره تحصیلی تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ زیرا F محاسبه شده گروه $(F(1, 48) = 59/45, p = 0/001)$ معنی‌دار است، بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اثربخشی رویکرد یادگیری مشارکتی بر خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان در درس فارسی تأیید می‌گردد. بر اساس ضریب اتای به دست آمده میزان تأثیر ۰/۵۵ درصد است یعنی ۰/۵۵ درصد تفاوت در نمرات پس از آزمون متغیر خودپنداره تحصیلی مربوط به تأثیر رویکرد یادگیری مشارکتی می‌باشد.

بحث

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که استفاده از رویکرد یادگیری مشارکتی بر خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی در درس فارسی مؤثر بوده است. گرچه تاکنون پژوهشی دقیقاً با هدفی مشابه مطالعه حاضر انجام نشده است اما پیشینه پژوهش‌ها نشان‌دهنده اثرات مثبت استفاده از رویکرد یادگیری مشارکتی بر خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی در درس فارسی است. نتایج برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه این یافته را تأیید می‌کند. به عنوان مثال، شیخی‌فینی، زارعی و سعادت زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر روش تأثیر روش تدریس مشارکتی با تأکید بر جرأت‌آموزی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس دین و زندگی، با هدف بررسی آیا روش تدریس مشارکتی با تأکید بر جرأت‌آموزی در بیان باعث افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر در درس دین و زندگی پایه اول دبیرستان می‌شود، نتایج نشان داد که روش تدریس مشارکتی با تأکید بر الگوی جرأت‌آموزی در بیان، به پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان منجر شده و تفاوت میان میانگین‌های نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر معنادار شده است. حاجی حسینلو، خالق خواه، زاهدبابلان و معینی خواه (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر یادگیری مشارکتی بر خود کارآمدی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ریاضی و خودپنداره ریاضی دانش آموزان شهر اردبیل پرداختند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد یادگیری مشارکتی به روش تقسیم بندی دانش آموزان به گروه های پیشرفت بر خودکارآمدی ریاضی و خودپنداره ی ریاضی دانش آموزان تأثیر معنی داری دارد.

در تبیین یافته حاضر می توان اشاره کرد که رویکرد یادگیری مشارکتی حافظه دانش آموزان را بهبود می بخشد دانش آموزانی که در فرآیندهای یادگیری بصورت فعال شرکت می کنند، بیشتر به یادگیری علاقمند می شوند و توجه بیشتری به مدرسه نشان دهند. و کلاس برای آنها جایی است که دانش آموزان در آن باهم تعامل دارند و این موجب افزایش انگیزش، مشارکت و توجه آنها به یادگیری می شود. همچنین میزان رضایت دانش آموزان را از تجارب یادگیری افزایش می دهد. دانش آموزان به طور طبیعی از فعالیت هایی که به توانایی های آنها ارزش قائل شود و آنها را در فرآیند یادگیری درگیر کند لذت می برند. گروه های مؤثر، فرآیندها و نتایج را از آن خود می دانند. هنگامیکه افراد همدیگر را برای رسیدن به اهداف مشترک تشویق می کنند برای افرادی که تاریخچه ای از شکست دارند، کمک کننده است. در نتیجه این شیوه یادگیری منجر به ایجاد خود پنداره تحصیلی مثبت در دانش آموزان می شود. خصوصاً دانش آموزان ابتدایی که وقتی علاقمند به آموزش و معلم و یادگیری می شوند هم اشتیاق تحصیلی در آنها بیشتر می شود و هم بخاطر خود پنداره مثبت تحصیلی شان موفقیت بیشتری کسب می کنند. علاوه بر آن یادگیری مشارکتی تعاملات مثبت اجتماعی را افزایش می دهد، اجبار را در هر محیطی کاهش می دهد، ترس و شرمساری را از بین می برد و احترام دوستی و همراهی دانش آموزان را افزایش می دهد. هر پژوهشی با محدودیت هایی روبرو می باشد که از این محدودیت ها می توان اشاره کرد به پایه تحصیلی و عدم دسترسی به پرسشنامه ایرانی، و پیگیری نکردن نتایج درازمدت مداخله به علت دسترسی نداشتن به همه افراد نمونه در درازمدت اشاره کرد.

تشکر و قدردانی

با سپاس فراوان از دانش آموزانی که در انجام این پژوهش نهایت همکاری را به عمل آوردند.



منابع

۱. حاجی حسینلو، خدیجه، خالق خواه، علی، زاهدبابلان، عادل، و معینی کیا، مهدی. (۱۳۹۶). تأثیر یادگیری مشارکتی با گروه‌های پیشرفت بر خودکارآمدی و خودپنداره ریاضی دانش آموزان. روان شناسی تربیتی (روانشناسی و فارسی تربیتی)، ۱۳(۴۳)، ۱۱۷-۱۳۷. SID
۲. خطیب زنجانی، نازیلا (۱۳۹۷). اثربخشی کلاس‌ها بر یادگیری دانشجویان کارشناسی ارشد محیط زیست به شیوه کلاس درس وارونه و مقایسه آن با روش رایج آموزش مجازی در دانشگاه پیام نور. مجله آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۷(۲)، ۲۱-۲۸.
۳. شیخی فینی، علی اکبر؛ زارعی، اقبال؛ سعادت زاده، سمیه. (۱۳۹۲). تأثیر روش تدریس مشارکتی با تأکید بر جرأت آموزی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس دین و زندگی. دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد. ۳۰(۳)، ۳۵۱-۳۶۰.
4. Gillies, R.M. (2016). Cooperative learning: review of research and practice, Australian Journal of teacher education. Available online at: [http:// dx.doi.org/10.14221/](http://dx.doi.org/10.14221/)
5. Huang, C. (2014). Self-concept and academic achievement: A meta-analysis of longitudinal relations, Journal of School Psychology, 49(5), 505-528.
6. Marsh, H. W., & Craven, R. G. (2005). A reciprocal effects model of the causal ordering of self-concept and achievement: New support for the benefits of enhancing self-concept. In H. W. Marsh, R. G. Craven, & D. M. McInerney (Eds.), International advances in self research: New frontiers for self research (Vol. 2, pp. 17-51). Greenwich, Connecticut: Information Age Publishing.
7. Marsh, H. W., & O'Mara, A. (2008). Reciprocal effects between academic selfconcept, self-esteem, achievement, and attainment over seven adolescent years: Unidimensional and multidimensional perspectives of self-concept. Personality and Social Psychology Bulletin, 34, 542-552.
8. Tella, A. (2007). The Impact of Motivation on Student's Academic Achievement and Learning Outcomes in Mathematics among Secondary School Students in Nigeria. Eurasia Journal of Mathematics, Science & Technology Education, 3(2), 149-156.